نگاه

مروری بر «تهران در قاب شعر»

حدیث شهر در درازنای زمان

مانی سپهری

■ «تهران در قاب شعر»، نوشته «جلال ستاری» در واقع دنباله کتاب «اسطوره تهران» است. ستاری که ایرانی با تهران در رمان‌های این نویسندگان پرداخته بود، این بار این مواجهه را در شعر نیز گرفته و مورد تحلیل قرار داده است. ایده محوری این کتاب نیز، مانند اسطوره تهران، پیوند تصویر تهران با باورهای اسطوره‌ای در ادبیات معاصر است. ستاری در اسطوره تهران این موضوع را مطرح کرد که تهران گرچه مانند شهرهایی چون گنگ‌دژ و گندی‌شاپور، از اساس شهری اسطوره‌ای نبوده، اما نویسندگان ایرانی با تهران در رمان‌های بلند بیشتر تاریخ شهر، به دو بخش خیر و شر تقسیم‌بندی می‌شود. به این صورت که آغاز مدرنیزاسیون به مثابه مبدا شر در نظر گرفته شده و هر آنچه به پیش از آن دوران تعلق داشته با دیدی نوستالژیک مظهر خیر. ستاری در بخش پایانی کتاب «تهران در قاب شعر» درباره وجوه اشتراک و افتراق حضور تهران در شعر و در رمان ایرانی و نگاه نویسندگان به تهران پیش از نوسازی می‌نویسد: «دلتنگی از ویران شدن بخش‌هایی خاطره‌انگیز را بدنه شعر و رمان نوسازی، همان‌گونه که در رمان‌های فارسی نقش بسته است (و شرح این مطلب بیشتر در کتابی دیگر آمده)، در اشعار و منظومه‌های مربوط به تهران که در این دفتر بررسی شده‌اند نیز انعکاس یافته است و از این نظرات گوهرین میان شعر و رمان و شعر وجود ندارد و نویسنده و سراینده هر دو، بر ویرانی گوشه‌های آشنا همواره با هاله‌های «قدسی‌مآب» و «نوستالژ» به یاد می‌آید. منتها گفتن ندارد که این دو به یک زبان سخن نمی‌گویند و اگر رمان‌نویس (چون چهل‌تن) به تفصیل آن دلتنگی را روایت می‌کند، شاعر (چون سپانلو) به اشاره در قالب تصاویر خیال، مقصود

عکس: فرهاد کاوه، شرق

گفت‌وگو با جلال ستاری، به مناسبت انتشار کتاب «تهران در قاب شعر»

روزگار ما، روزگار خلاقیت نیست

علی شروقی

تاریخ و اسطوره، به مثابه واسطه‌هایی که در ادبیات معاصر، امر فردی را به امر عمومی پیوند می‌زدند، از غایبان اصلی جریان غالب ادبیات ما در سال‌های اخیر بوده‌اند. در معدود رمان‌هایی هم اگر پیوندی با اسطوره و تاریخ وجود داشته این پیوند، اغلب سطحی بوده است. گویا نویسندگان ما در این سال‌ها بیشتر ترجیح داده‌اند تا به تاریخ و ساخت‌های قدیمی همچنان حاضر در آن را نادیده بگیرند یا به جای نقد بنیادین و جدی تاریخ و اسطوره، آن را لوث کنند و این، عکس رویکردی است که پیش از این جریان خلاق ادبیات ما به تاریخ و اسطوره داشت. چند سال پیش «جلال ستاری» در کتاب «اسطوره تهران» به نحوه حضور تهران در رمان‌های مطرح معاصر پرداخت. امسال کتاب «تهران در قاب شعر»، از این اسطوره‌زدوده و اسطوره‌شناس مطرح معاصر منتشر شده است که در واقع ادامه کتاب اسطوره تهران است. ستاری این بار با نگاهی به کتاب‌های «قایق‌سواری در تهران» و «منظومه تهران» محمدعلی سپانلو و منظومه بلند «تهران» محمدرضا مدیحی، حضور تهران در شعر معاصر را بررسی و تحلیل کرده است. گفت‌وگویی که می‌خوانید به مناسبت انتشار این کتاب است و البته نخفتط درباره دو کتاب ستاری درباره تهران بلکه درباره نحوه مواجهه ادبیات معاصر ما با اسطوره که ستاری درپی آن است. مواجهه شاعران و نویسندگان ایرانی با تهران از همین منظر دیده و ارزیابی کرده است. به اعتقاد ستاری، تهران در ادبیات معاصر ایران، گرچه به خودی خود یک شهر اسطوره‌ای نیست اما آن